

تأثیر مدیریت سود و کیفیت حسابرسی بر بیش سرمایه گذاری با دو معیار دوره تصدی و تخصص حسابرس

محمد میرمحمدی صدرآبادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه حسابداری، یزد، ایران

M.mir.m2010@gmail.com

چکیده- در حالی که مسئولیت اصلی تهیه صورت های مالی بر عهده مدیریت شرکت است، اما در پی رسوایی های مالی اخیر در سطح جهان، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نشانه رفته است تا جایی که عموماً از این وقایع به عنوان شکست حسابرسی یاد می شود. تلقی عموم این است که فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی موجب وقوع چنین وقایعی شده است. در سال های اخیر که از یک طرف مبارزه با مفاسد اقتصادی به طور جدی مورد توجه جامعه و دولت مردان قرار گرفته و از طرف دیگر اندازه و تعداد شرکت های سهامی عام و استفاده کننده گان از اطلاعات حسابداری در حال افزایش هستند، انتظار می رود حرفه حسابرسی هم گام با انتظارات جامعه بر کیفیت کار خود بیفزاید و بتواند مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و آن ها را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند. عوامل متعددی وجود دارد که می تواند به بیش و کم سرمایه گذاری از سوی شرکت ها منجر شود. در مقاله حاضر به تأثیر عوامل مدیریت سود از سوی مدیران و کیفیت حسابرسی پرداخته شده است. در ابتدا ادبیاتی در مورد مدیریت سود، کیفیت حسابرسی و مفهوم بیش و کم سرمایه گذاری بیان شده است. بعد از آن پیشنهادی از تحقیقات مرتبط با موضوع این مقاله ارائه شده است و در نهایت نتیجه گیری هایی از ارتباط این مباحث بیان شده اند.

واژه های کلیدی: مدیریت سود، اقلام تعدی، دوره تصدی، تخصص حسابرس، بیش سرمایه گذاری.

۱. مقدمه

یکی از اهداف گزارشگری مالی ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری و اعتبار دهی و سایر تصمیم ها سودمند باشد. یکی از معیارهای مهمی که گروه های مزبور برای قدرت سودآوری شرکت، پیش بینی سودهای آینده و ریسک های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می کنند، سودهای جاری و گذشته شرکت است. سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می تواند برای بهتر جلوه دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش بینی سودهای آینده در اقلام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح امروزی سود را مدیریت کند. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق، برآورد و پیش بینی و همچنین اعمال روش هایی نظیر تغییر روش ارزیابی موجودی کالا، استهلاک سرقفلی، هزینه جاری یا سرمایه ای کردن هزینه های تحقیق و توسعه، از جمله مواردی هستند که مدیران می توانند از طریق آن ها سود را تغییر دهند. از یک طرف به دلیل آگاهی بیشتر مدیران از وضعیت شرکت، انتظار می رود به گونه ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند. از طرف دیگر بنا به دلایلی نظیر ابقاء در شرکت، دریافت پاداش و ...، مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دستکاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورت های مالی مغایرت داشته و رویدادی تحت عنوان مدیریت سود رخ داده است (مجتهد زاده و آقای، ۱۳۸۳).

از سوی دیگر، حساب‌رسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند. زیرا موسسه‌های حسابرسی با کیفیت، دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند. از سویی دیگر کیفیت که تعیین‌کننده عملکرد حسابرسی است تابع عوامل متعددی از قبیل توانایی‌های حسابرس و اجرای حرفه‌ای است (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳). به طور کلی این مقاله با بررسی تأثیری که مدیریت سود^۱ و کیفیت حسابرسی^۲ بر کیفیت سود و در نهایت بر تصمیمات داخلی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها (بیش سرمایه‌گذاری^۳) دارند، به دنبال این می‌باشد که آیا مدیریت سود از سوی مدیران شرکت‌ها و کیفیت حسابرسی شرکت که با در نظر گرفتن دو معیار تخصص حسابرس^۴ و دوره تصدی حسابرس^۵، می‌توانند بر میزان کیفیت سود تأثیرگذار بوده و موجب بیش سرمایه‌گذاری در شرکت شوند یا خیر؟

^۱ . Earning Management

^۲ . Audit Quality

^۳ . Over-Investment

^۴ . Audit Speciality

^۵ . Audit Tenure

۲. مبانی نظری و پیشینه

۲-۱. مدیریت سود

سود از دو بخش تعهدی و نقدی تشکیل شده است و اقلام تعهدی سود نیز به دو بخش اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می‌شود که اقلام تعهدی اختیاری بیشتر می‌تواند در معرض مدیریت قرار گیرد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷). در تعریفی مدیریت سود به عنوان مداخله با اراده در فرآیند گزارشگری مالی به منظور کسب منفعت شخصی برای سهامداران و مدیران تعریف شده است (پسنل و همکاران^۱، ۲۰۰۵). از منظر هیلی و وال^۲ (۱۹۹۹) مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تاثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند می‌انجامد. از نظر اسکات^۳ (۲۰۰۰) مدیریت سود اختیار شرکت در انتخاب روش‌ها و رویه‌های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر است. به نظر می‌رسد که مدیریت سود به طور معمول از استفاده مدیران از مزایای عدم تقارن اطلاعاتی سهامداران ناشی می‌شود. کاپلاند، توانایی نسبی در کاهش و یا افزایش سود گزارش شده توسط مدیران را به عنوان دستکاری در حساب‌ها معرفی می‌کند. عناوینی مانند «حداکثر کنندگان»، «حداقل کنندگان» و یا «هموار کنندگان»، به طور تلویحی به افرادی اطلاق می‌شود که به دستکاری حساب‌ها اقدام کنند (کاپلاند^۴، ۱۹۶۸). دی جورج و همکاران، مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول

^۱. Peasnell et al, 2005

^۲. Healy and Wahlen, 1999

^۳. Scott, 2000

^۴. Copeland, 1968

به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص تعریف می کند (دی جورج و همکاران^۱، ۱۹۹۹). گوان و همکاران^۲ در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که یکی از دلایلی که شرکت ها به خاطر آن مدیریت سود انجام می دهند، بالا بودن نسبت بدهی به سرمایه آن ها است، به طوری که هرچه این نسبت بالاتر باشد مدیریت، روش های افزایش سود بیشتری را انتخاب می کند (گوان و همکاران، ۲۰۰۱).

۲-۱-۱. نقش اقلام تعهدی در مدیریت سود و مدل های کشف آن

اقلام تعهدی بیانگر تفاوت بین سود حسابداری و جزء نقدی آن است، که شامل تغییرات در موجودی کالا، حسابهای دریافتی و حساب های پرداختنی است. در صورتی که اقلام تعهدی مثبت بزرگ باشد، بیانگر این است که سود حسابداری از وجوه نقد حاصل از عملیات واحد تجاری بسیار بیشتر است. البته باید توجه داشت که این تفاوت به دلیل اعمال اصول حسابداری در مورد زمان و نحوه شناسایی درآمدها و هزینه ها (اصل شناخت درآمدها و اصل تطابق) است. اصول پذیرفته شده حسابداری در مورد زمان شناسایی و مبلغ درآمدها و هزینه ها به مدیران شرکت ها آزادی عمل نسبی داده است و وقتی که مدیران، سود حسابداری را به مبلغی بیش از وجوه نقد حاصل شناسایی می کنند، اقلام تعهدی ایجاد می شوند. یک عامل بنیادی در آزمون مدیریت سود در شرکت ها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین سود است. بررسی متون مبتنی بر مدیریت سود، بیانگر وجود رویکردهای متفاوت با شناسه ای مختلف در تخمین و اندازه گیری اختیار مدیریت در تعیین سود گزارش شده است. یکی از مهمترین این رویکردها، رویکرد مبتنی بر کاربرد اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخصی برای تعیین و کشف مدیریت

^۱ . Degeorg et al, 1999

^۲ . Guan et al, 2001

سود در واحد تجاری است (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). برای کشف مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، مدل‌هایی ارائه شده است که مهمترین آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مدل هیلی (۱۹۸۵)
۲. مدل دی آنجلو (۱۹۸۶)
۳. مدل صنعت (۱۹۹۱)
۴. مدل جونز (۱۹۹۱)
۵. مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵)
۶. مدل کازنیک^۱ (۱۹۹۹)
۷. مدل دجو و دچاو^۲ (۲۰۰۲)
۸. مدل دجو و دچاو تعدیل شده (۲۰۰۶)
۹. مدل کوتاری و همکاران^۳ (۲۰۰۵)
۱۰. مدل استوبن^۴ (۲۰۱۰)

۲-۱-۲. چارچوبی برای انواع دستکاری در حساب‌ها

استولی و برتون^۵ چارچوبی برای طبقه‌بندی انواع دستکاری در حساب‌ها ارائه داده‌اند که در این بخش اشاره مختصری به آن می‌شود (استولی و برتون، ۲۰۰۴). این چارچوب بر این اصل بنیادی بنا نهاده شده است که اطلاعات مالی تاثیر عمده‌ای بر کاهش هزینه‌های تامین مالی شرکت دارند. این کاهش منوط به بهبود تصور سرمایه‌گذاران از ریسک شرکت است. ریسک یاد شده نیز به لحاظ محاسباتی از طریق بتا که خود تابعی از انحراف نسبی سود است، تخمین زده می‌شود. نمودار ۱ این چارچوب را به شکل خلاصه‌ای نشان می‌دهد.

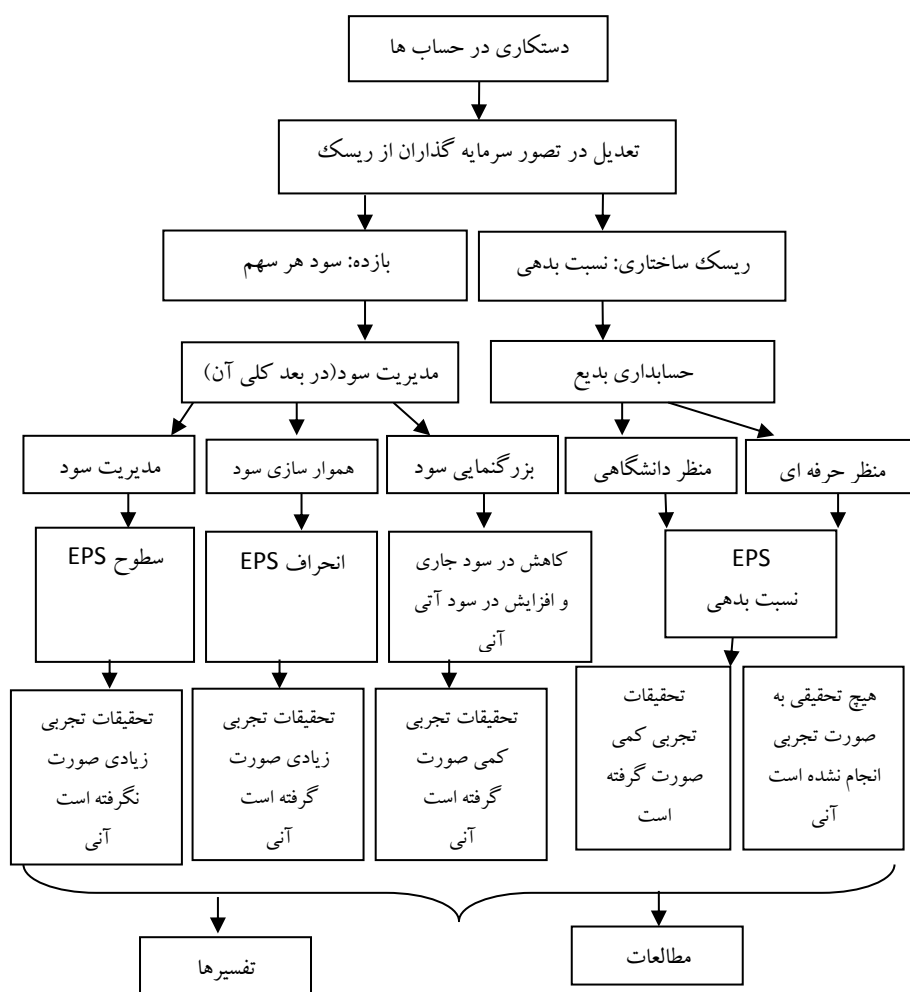
^۱ . Kasznik, 1999

^۲ . Diechev and Dechow, 2002

^۳ . Kothari et al, 2005

^۴ . Stubben, 2010

^۵ . Stolowy and Berton



نمودار ۱. چارچوبی برای انواع دستکاری در حساب‌ها (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴)

۲-۲. کیفیت حسابرسی

در تعریفی، کیفیت حسابرسی تحت عنوان ارزیابی بازار ارائه شده است. ارزیابی بازار در واقع عبارت است از احتمال این که حسابرس هم تحریفات با اهمیت در صورت های و یا سیستم صاحبکار را کشف کند و هم تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند. احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال حسابرس ارتباط پیدا می کند. موسسه های بزرگ شرکت های بیشتری را حسابرسی می کنند و کل حق الزحمه آن ها بین شرکت های صاحبکار تفکیک می شود و به صاحبکاران وابستگی ندارد. موسسه های حسابرسی بزرگ استقلال بیشتری دارند، بنابراین با کیفیت بیشتری به حسابرسی می پردازند (دی آنجلو، ۱۹۸۱). مدیران انگیزه های زیادی برای دستکاری سود دارند تا بتوانند به پیش بینی های تحلیل گران مالی تحقق ببخشند. بنابراین اگر حسابرسی موسسه های بزرگ کیفیت بیشتری داشته باشند، باید انتظار داشت خطاهای پیش بینی تحلیل گران در شرکت هایی که توسط موسسه های کوچکتر رسیدگی شدند، بیشتر باشد.

۲-۲-۱. معیارهای اندازه گیری کیفیت حسابرسی

مهمترین شاخص کمی اندازه گیری کیفیت حسابرسی، اندازه حسابرس است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند به طوری که هرچه اندازه حسابرس بزرگتر باشد کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود (چن و همکاران^۱، ۲۰۰۵). محققینی دیگر برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی، علاوه بر اندازه موسسه حسابرسی از تخصص موسسه حسابرسی در صنعت صاحبکار نیز استفاده کرده

^۱ . Chen et al, 2005

اند. در این معیار، به طور مسلم موسسه های حسابرسی که در صنعت صاحبکار تخصص داشته باشند، با کیفیت بیشتری به حسابرسی آن می پردازند. ژائو و ایلدر در تحقیق خود از تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی استفاده کرده اند (ژائو و ایلدر^۱، ۲۰۰۲). کیفیت کار موسسه های حسابرسی متفاوت است و به طور مستقیم نمی توان با مشاهده موسسه ها تشخیص داد که کدام موسسه از کیفیت کاری بالاتری برخوردار است. تحقیق-ها نشان می دهند اندازه، قدمت، شهرت و نام تجاری موسسه های حسابرسی می توانند معیارهای متمایز کننده کیفیت حسابرسی باشند (آقای و کوچکی، ۱۳۷۴). حساس یگانه و همکاران در پژوهشی تحت عنوان عوامل موثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی، به بررسی کیفیت حسابرسی پرداختند که نتیجه آن تعیین ۷ عامل موثر جهت ارتقای کیفیت حسابرسی بود. شامل: ۱. تخصص گرایی، ۲. کارایی حسابرسی، ۳. کشف تحریفات با اهمیت، ۴. تضاد منافع، ۵. وجود قوانین و مقررات، ۶. مکانیزم بازار و ۷. اندازه موسسات حسابرسی (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۴). در این بخش سه معیار متداول جهت محاسبه کیفیت حسابرسی به شکل مختصر بیان شده اند.

۲-۱-۱. اندازه حسابرسی

منظور از اندازه حسابرس، حسن شهرت حسابرس (نام تجاری) است. در نتیجه حسن شهرت حسابرس، اعتبار اطلاعات صورت های مالی افزایش یافته و لذا کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود (پالمروس^۲، ۱۹۸۸). در ایران، سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت بالا (درجه ۱) و در مقابل سایر موسسات حسابرسی (موسسات حسابرسی عضو جامعه

^۱. Zhou and Elder, 2002

^۲. Palmrose, 1988

حسابداران رسمی) که اندازه آن‌ها نسبت به سازمان حسابرسی کوچکتر است، به عنوان موسسات دارای اعتبار و شهرت پایین (درجه ۲) در نظر گرفته می‌شوند.

۲-۱-۲-۲. تخصص حسابرِس

نظریه‌های اقتصادی بیانگر این است که حرفه حسابرسی با یافتن راه‌های جدید برای تمایز قایل شدن بین خدمات خاص در موسسه حسابرسی به بلوغ و پیشرفت رسیده است. یکی از این ابزارها تخصص‌گرایی در صنعت خاص می‌باشد. موسسه‌های حسابرسی دارای نام تجاری، تلاش‌هایی را برای افزایش سطح تخصص خود انجام می‌دهند. آن‌ها سعی می‌کنند تا بر روی مقررات صنعت و ویژگی‌های صنعتی که ریسک دعوی حقوقی به نسبت کم، رشد سریع و یا صاحبکاران به نسبت بزرگی دارند متمرکز شوند (پالمروس، ۱۹۸۸). تخصص حسابرِس می‌تواند بر اساس تعداد شرکت‌های موجود در هر صنعت تحت بررسی موسسه، محاسبه شود. در مواردی نیز می‌توان بر اساس نسبت فروش‌های حسابرسی شده یک شرکت توسط موسسه حسابرسی به کل فروش‌های صنعت مربوطه، محاسبه نمود.

۲-۱-۲-۳. دوره تصدی حسابرِس

یکی دیگر از شاخص‌های کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، میزان مراقبت حرفه‌ای حسابرِس و توانایی نظارت آن یعنی دوره تصدی حسابرِس است. هرچه دوره تصدی حسابرِس بیشتر باشد شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص بالاتر رفته و موجب افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد (میرز و همکاران، ۲۰۰۳). به منظور اندازه‌گیری دوره تصدی حسابرِس، باید سالی در دسترس باشد که در آن حسابرِس به استخدام واحد تجاری درآمده است. بر اساس استدلال مجتهد زاده و آقایی، در صورتی که در دوره پژوهش ۷ ساله، حسابرِس بیش از ۴ سال، حسابرِس شرکت صاحبکار بوده باشد آنگاه دوره تصدی طولانی و در غیر این صورت دوره

کوتاه در نظر گرفته می شود. آن ها حداقل ۳ سال را برای کسب شناخت از موسسه لازم و ضروری می دانند (مجتهد زاده و آقایی، ۱۳۸۳). کرمی و همکاران در بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود بر روی ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده بورس اوراق بهادار ایران نشان دادند که با افزایش دوره تصدی حسابرس، انعطاف پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی افزایش می یابد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲-۳. مفهوم و فرضیه بیش و کم سرمایه گذاری

در این بخش یک فرضیه نظری در مورد بیش و کم سرمایه گذاری ارائه می شود. این ادبیات می تواند با ارائه مطالبی پیرامون تاثیر جریان های نقدی آزاد و محدودیت در تامین مالی به سبب عدم تقارن اطلاعاتی در بیش و کم سرمایه گذاری، و بحث هزینه های نمایندگی، تصمیمات سرمایه گذاری، تضاد بین مدیران و سهامداران و اعتبار دهندگان، به فهم بیشتر مفهوم بیش و کم سرمایه گذاری و عوامل تاثیر گذار بر آن، کمک کند. در بازارهای ناکارا، تامین مالی و تصمیمات سرمایه گذاری، مستقل از یکدیگر نیستند. در واقع برخی از نواقص بازار سرمایه مانند عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های نمایندگی، می تواند به فرآیند بیش سرمایه گذاری یا کم سرمایه گذاری منتهی گردد. عدم تقارن اطلاعاتی چندین تضاد بین ذینفعان اصلی ایجاد می کند که منتهی به این فرآیند می شود (مورگادو و پین دادو^۱، ۲۰۰۰). سهامداران با توجه به مسئولیت محدودشان، ترغیب شده اند تا در پروژه های دارای ریسک بیشتر سرمایه گذاری کنند. این رغبت به خاطر این است که از یک سو پروژه های پر ریسک، منافع بیشتری برای آن ها فراهم می سازد و از سوی

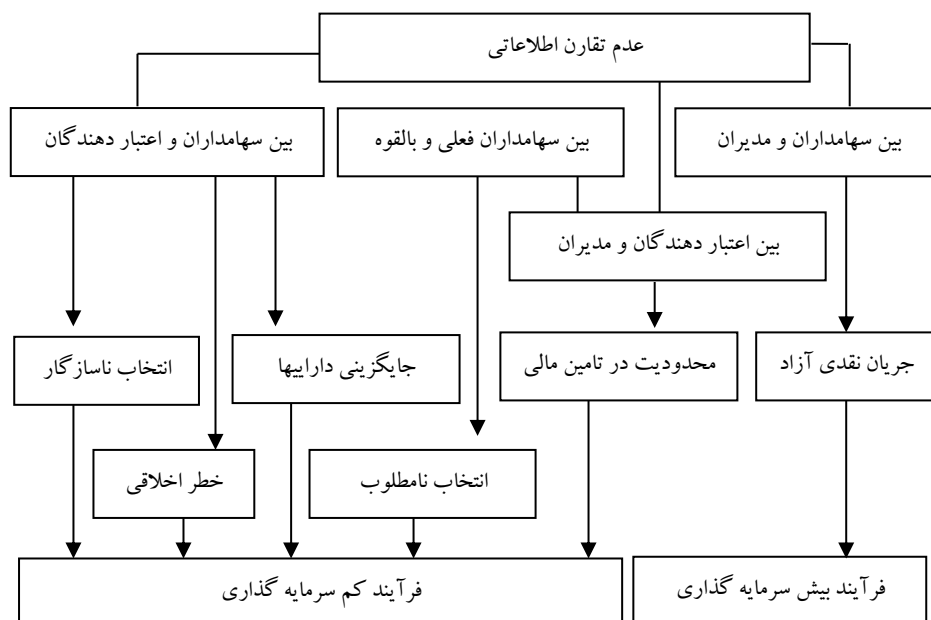
^۱ . Morgado and Pindado, 2000

دیگر حتی در صورتی که زیان بزرگی روی دهد، این زیان متوجه اعتبار دهندگان می شود. در این مورد مشکل معروفی تحت عنوان «جابجایی دارایی‌ها از اعتباردهندگان به سهامدار» به وجود می آید و توان سهامداران در توسعه پروژه های سرمایه گذاری کاهش می یابد. بنابراین جابجایی دارایی‌ها یکی از مکانیسم‌هایی است که منتهی به کم سرمایه گذاری خواهد شد (پیندادو و توره^۱، ۲۰۰۵).

از طرفی دیگر، تضاد بین سهامداران و اعتبار دهندگان، با تشدید خطر اخلاقی، مشکل کم سرمایه گذاری را به وجود می آورد. با توجه به اولویت حقوقی اعتبار دهندگان به هنگام ورشکستگی، سهامداران ممکن است خودشان را در معرض آن ببینند که اعتباردهنده، بخشی از ارزش ایجاد شده را برای خود بر می دارد. بنابراین سهامداران انگیزه دارند تا پروژه های با ارزش فعلی خالص مثبت را که ارزش خالص مثبت آن کمتر از میزان بدهی است، رها کنند. از سوی دیگر اعتبار دهندگان سعی خواهند نمود تا از سرمایه گذاری غیر بهینه دوری نمایند. علاوه بر این تضاد بین سهامداران و اعتبار دهندگان، مشکل کم سرمایه گذاری را به سبب وجود انتخاب مطلوب موجب می گردد (مورگادو و پین دادو، ۲۰۰۰). از سویی دیگر تضاد بین سهامداران بالفعل و بالقوه، منتهی به کم سرمایه گذاری ناشی از انتخاب نامطلوب می گردد. به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران بالفعل و بالقوه در ارتباط با پروژه های سرمایه گذاری و دارایی موجود، شرکت ممکن است پروژه های با ارزش خالص فعلی مثبت را رها کند. زیرا این عدم تقارن در مورد چشم انداز سرمایه گذاری شرکت، موجب می گردد آن‌ها احساس کنند که در

^۱ . Pindado and Torre, 2005

صورت سرمایه گذاری، امکان بیشتری برای وقوع زیان نسبت به عدم سرمایه گذاری وجود دارد (لیاندرس و زادانو^۱، ۲۰۰۵). نمودار ۲ این روابط را به شکل بهتری ارائه می دهد.

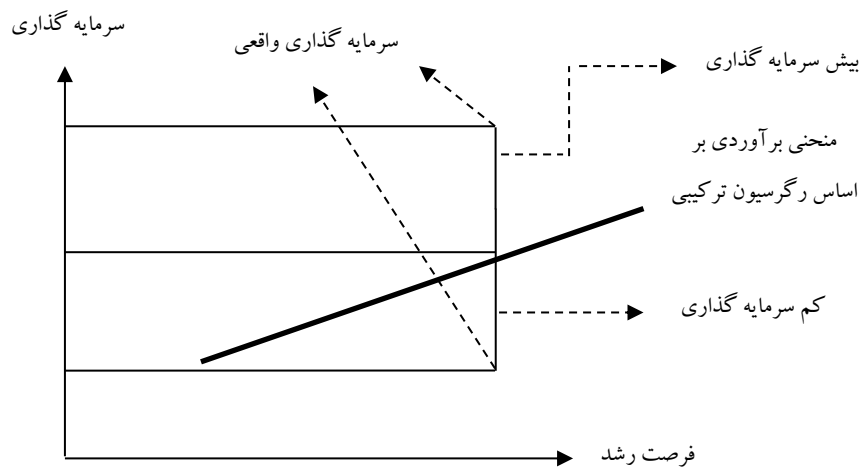


نمودار ۲. روابط نظری فرضیه بیش و کم سرمایه گذاری (تهرانی و حصار زاده، ۱۳۸۸)

^۱ . Lyandres and Zhdanov, 2005

۲-۴. مدل تعیین بیش و کم سرمایه گذاری

برای توضیح بیش و کم سرمایه گذاری باید مدلی را ارائه نمود که حد مطلوب سرمایه گذاری را نشان دهد. بسیاری از محققین از مدل فرصت های رشد شرکت برای این منظور استفاده نموده اند. در مقاله حاضر از مدل بیدل و هیلاری برای توصیف بیش و کم سرمایه گذاری استفاده شده است. نمودار ۳ به شکل ساده ای این مقادیر سرمایه گذاری را ترسیم می کند.



نمودار ۳. ترسیم مبالغ بیش و کم سرمایه گذاری با استفاده از فرصت های رشد

مبنای نظری این مدل بر این نکته استوار است که فرصت های رشد شرکت می بایست سرمایه گذاری جدید شرکت را توجیه نماید. به بیان دیگر انتظار بر آن است که در رگرسیون بین این دو متغیر، فرصت های رشد سرمایه گذاری را توضیح دهد. بنابراین در صورتی که فرصت های رشد نتواند سرمایه گذاری را توضیح دهد، مقادیر خطای حاصل، بیش و کم سرمایه گذاری را نشان

خواهد داد. جان لئارد و یو (۲۰۱۲) در تحقیق خود تحت عنوان «آیا مدیریت سود و کیفیت حسابرسی بر بیش سرمایه گذاری شرکت های چینی تاثیر دارد؟» به بررسی این موضوع پرداختند که چطور کیفیت سود ها بر تصمیمات سرمایه گذاری آن دسته از شرکت های چینی که حسابرسان Big4 را به کار نمی گیرند، تاثیر می گذارد. آن ها مدیریت سود ها را به کمک ارقام تعهدی اختیاری با به کارگیری مدل جونز ارزیابی نمودند و برای محاسبه کیفیت حسابرسی از دو معیار دوره تصدی حسابرسان و اهمیت مشتری استفاده نمودند. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از یک مدل رگرسیون چند متغیره و دو مدل رگرسیون لجستیکی صورت پذیرفته است. نتایج آن ها نشان می دهد که ارقام تعهدی اختیاری شاخص مهمی برای بیش سرمایه گذاری شرکت های چینی هستند. همچنین در زمینه کیفیت حسابرسی، مشخص شد که سرمایه گذاری در گروه مشتریان با اهمیت نسبت به گروه مشتریان کم اهمیت دارای سطح بالاتری است و نیز اینکه شرکت هایی که حسابرسانشان دارای دوره تصدی طولانی تری هستند نسبت به دوره تصدی کوتاه، دارای بیش سرمایه گذاری هستند.

بحث و نتیجه گیری

یکی از معیارهای محاسبه کیفیت حسابرسی که در مقاله حاضر مورد بحث قرار گرفت، تصدی حسابرسان است. بر اساس اعتقاد حامیان تغییر حسابرسان، در صورت تغییر اجباری حسابرسان حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت کرده و قضاوت بی طرفانه تری را اعمال نمایند. دوره تصدی طولانی مدت حسابرسان در کنار یک صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نقطه نظرات مدیریت صاحبکار می شود. در مقابل مخالفان دوره تصدی طولانی مدت حسابرسان معتقدند تلاشی که حسابرسان در

جهت حفظ اعتبار و شهرت به کار می‌گیرند و یا ترس از احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه آن‌ها مکانیزم‌هایی هستند که مانع از رفتارهای نامناسب حسابرسان می‌شود. به اعتقاد آن‌ها حسابرسان با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیت صاحبکار به دست آورده و به این ترتیب توانایی شان در مورد مناسب بودن یا نبودن رویه‌های حسابداری و گزارشگری افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحبکار می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد. همچنین با وجود انگیزه‌های مدیران برای اعمال مدیریت در سود، لازم است رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی با کیفیت سودها که منجر به تاثیر گذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری خواهد شد، به منظور ارائه اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری بهتر بررسی و مشخص گردد.

بررسی ادبیات مرتبط با مدیریت سود، بیانگر تلاش محققین در فهم این مطلب است که چرا مدیران به دنبال دستکاری سود هستند، چگونه سود را مدیریت می‌کنند و تبعات این گونه رفتار چیست. پاسخ به این سوالات، بخش اعظمی از تحقیقات تجربی را در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی به خود اختصاص داده است. انگیزه برای دستکاری در حساب‌ها از جمله مواردی است که نیازمند توجه بیشتری است. گاهی مدیران از حساب‌ها به عنوان ابزاری برای نمایش غیر واقعی حصول اهداف بلند مدت شرکت و یا کاهش مصنوعی ریسک متصور، استفاده می‌کنند. مدیران انگیزه‌های زیادی برای دستکاری سود دارند تا بتوانند به پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران مالی تحقق ببخشند. بنابراین اگر حسابرسی موسسه‌های بزرگ کیفیت بیشتری داشته باشند، باید انتظار داشت خطاهای پیش‌بینی تحلیل‌گران در شرکت‌هایی که توسط موسسه‌های کوچکتر رسیدگی شدند، بیشتر باشد.

با توجه به این که روند خصوصی سازی با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی شتاب بیشتری گرفته است، لزوم حسابرسی با کیفیت صورت‌های مالی این شرکت‌ها برای پذیرش سهام آن‌ها در

بورس اوراق بهادار تهران ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به موارد پیش گفته مدیریت سود و کیفیت حسابرسی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و در نهایت وقوع بیش سرمایه‌گذاری از سوی شرکت، تاثیر گذار خواهد بود. به دلیل تضاد منافع بین مدیران و سهامداران، ممکن است فرآیند بیش سرمایه‌گذاری رخ دهد. هنگامی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، مدیران ممکن است از جریان‌های نقدی آزاد استفاده نموده و پروژه‌های با ارزش خالص منفی را جهت افزایش منافع خود به کار گیرند که این اقدام به بیش سرمایه‌گذاری منتهی می‌شود. به طور کلی هدف حسابرسان حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی است. وقتی موسسات سودها را دستکاری می‌کنند، ممکن است نتیجه مطلوبی را برای سرمایه‌گذاران نشان دهند، چنین ارائه نادرستی می‌تواند بر تصمیم‌گیری داخلی تاثیر گذاشته و منجر به تصمیمات سرمایه‌گذاری غیر بهینه و ناکارآمد شود. حسابرس شرکت نیز ممکن است بر محتوای سود تاثیر گذار باشد. حسابرسی با کیفیت باعث می‌شود که یک شرکت از رویکرد محافظه کارانه تری جهت گزارشگری مالی استفاده کند.

انتظار می‌رود که هر چه دوره تصدی حسابرس کوتاه‌تر باشد، بیش سرمایه‌گذاری بیشتر باشد. بنابراین از آنجایی که بیش سرمایه‌گذاری نوعی ناکارایی تلقی می‌گردد، بهتر است دوره تصدی حسابرسان افزایش یابد که این امر البته باید با حفظ سایر مسائل موثر بر آن اتفاق بیافتد. همچنین سازمان بورس اوراق بهادار، می‌بایست قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا حد امکان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در طول سال‌های متممادی از وجود حسابرسان مختلف جهت حسابرسی صورت‌های مالی استفاده نکنند. انتظار بر این است که افزایش تخصص حسابرسان می‌تواند موجب بیش سرمایه‌گذاری شود. این نتیجه شاید پیامد سخت‌گیری بیش از حد حسابرسان متخصص باشد که ضرورت دارد به گونه‌ای عمل نمایند که وقوع این پدیده به حداقل برسد، زیرا

وجود حساب‌رسان مستقل مزایای بسیاری دارد. استفاده کنندگان صورت‌های مالی و نیز شرکت‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری، می‌بایست که قبل از اتخاذ هرگونه تصمیمی مبنی بر سرمایه‌گذاری، کیفیت حسابرسی از طریق تخصص حسابرس و دوره تصدی حسابرس را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و شرکت‌هایی را انتخاب کنند که از نظر تخصص دارای حساب‌رسانی متخصص بوده یا به لحاظ دوره تصدی دارای دوره تصدی کوتاه مدت باشند. سهامداران و هیأت مدیره شرکت‌ها می‌توانند با ایجاد سازوکارهای نظارتی بیشتر، از وقوع بیش سرمایه‌گذاری که نشان‌دهنده نوعی ناکارایی در سرمایه‌گذاری است، جلوگیری نمایند. امید است که با روشن شدن تاثیر این عوامل موجبات بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری در موسسه فراهم گردد و اطلاعات ارائه شده جهت استفاده کنندگان در راستای تصمیمات سرمایه‌گذاری بهبود یابد.

منابع

۱. ابراهیمی کردلر، علی، سیدی، سید عزیز (۱۳۸۷). نقش حساب‌رسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۶-۳.
۲. آقایی، محمد علی، کوچکی، حسن (۱۳۷۴). گمان‌هایی پیرامون نمایش سود، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۶۴-۵۶.
۳. تهرانی، رضا، حصارزاده، رضا (۱۳۸۸). تاثیر جریان‌های نقدی آزاد و محدودیت در تامین مالی بر بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری، تحقیقات حسابداری، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۶۷-۵۰.
۴. حساس یگانه، یحیی، جعفری، علی (۱۳۸۴). عوامل موثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۰، صص ۹۴-۷۱.
۵. کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه، و محمدی، امیر (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰، صفحات ۸۲-۶۵.

۶. مجتهد زاده، ویدا، آقایی، پروین (۱۳۸۳). عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حساب‌رسان مستقل و استفاده کنندگان، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۸، صص ۷۶-۵۳.
۷. مشایخی، بیتا، مهرانی، ساسان، مهرانی، کاوه، کرمی، غلامرضا (۱۳۸۴). نقش اقلیمی تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۴، صفحات ۷۴-۶۱.
۸. یعقوب نژاد، احمد، بنی مهد، بهمن، شکری، اعظم (۱۳۹۱). ارائه الگو برای اندازه‌گیری مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۴-۱.
9. Biddle, G., Hilary, G., & Verdi, R.S., (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3), 112-131.
10. Chen, K. lin L.K. and Zhoum J. (2005). Audit quality and earnings management for Taiwan IPO firms, *Managerial accounting journal*, Vol. 20, No 1, 86-104.
11. Copeland. R.M. (1968). Income smoothing, *Journal of accounting research*, empirical research in accounting, selected study 6.
12. DeGeorge, F., J.Patel and R.Zekhauser (1999). Earning management to exceed thresholds, *Journal of business* 72(1).
13. DeAngelo, L. E. (1981). Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, No. 3, 183-199.
14. Guan, L., Pourjalali, H., Sengupta, P., & Teruya, J., (2001). The effect of cultural environment and accounting regulation on earnings manipulation: A five Asian-Pacific country analysis, *Journal of Accounting and Economics Research*, 32, 79-96.
15. Healy, P.M., & Wahlen, J.M., (1999), A review of the earnings management literature and its implications for standard setting, *Accounting Horizons*, 13, 365-383.

16. Jane Lenard, M., Bing, Y. (2012) Do Earnings Management and Audit Quality Influence Over-Investment by Chinese Companies? *International Journal of Economics and Finance*, Vol. 4, No. 2; February 2012, PP. 21-30
17. Lyandres, E.A, Zhdanov. (2005). Underinvestment and Overinvestment; the effect of financial leverage on investment. www.SSRN.com.
18. Myers J.N., Myers L.A. and Omer C.T. (2003). Exploring the Term of the Auditor-client relationship and the quality of Earnings: A case for Mandatory Auditor rotation? *The Accounting Review*, Vol. 78, Issue 3, pp. 779-799.
19. McNichols, M.R., & Stubben, S.R. (2008). Does earnings management affect firms' investment decisions? *The Accounting Review*, 83(6), 1571-1603. <http://dx.doi.org/10.2308/accr.2008.83.6.1571>.
20. Morgado, M. J, pindado. (2000). The underinvestment and overinvestmen hypotheses: An analysis using panel data, Instituto politenico de Coimbra (Portugal). www.SSRN.com.
21. Peasnell, K.V., Pope, P.F. and Young, S. (2005), Board Monitoring and Earnings Management: Do Outside Directors Influence Abnormal Accruals, *Journal of Business Finance & Accounting*, 32(7) & (8), pp.1311-1346.
22. Pindado, J. Toree, C. (2005). The effects of ownership structure on underinvestment and overinvestment, www.SSRN.com.
23. Palmrose, Z. (1988). An analysis of auditor litigation and audit service quality, *The accounting review*, Vol. 64, No. 1, 55-73.
24. Scott , William (2000) . *Financial Accounting Theory*, Prentice Hall, chapter 11, 343-352.
25. Stolowy, H. and Berton, G. (2004). Accounnts manipulate: A literature review and proposed conceptual frame work, *The Review of accounting and finance*, volume 3.
26. Zhou, J. and R. Elder. (2002). Audit firm size, industry specialization, and earnings management by initial public offering firms, *Working paper*, 91-102.